



تغییر در برنامه‌های درسی و لزوم توجه به برنامه درسی چند فرهنگی

اسماعیل مصطفی‌زاده^۱ و علیرضا محمدنژاد^۲

کلید واژه‌ها: برنامه درسی چند فرهنگی، تنوع فرهنگی، فرهنگ

مقدمه

چند فرهنگی به عنوان یک نیاز ضروری در جوامع چند فرهنگی که می‌خواهند به صورت مسالمت‌آمیز زندگی مشترکی را دنبال کنند، امری حیاتی است. این رویکرد مسائلی همچون نژاد پرستی و سایر انواع تبعیض در مدارس و جوامع را رد کرده و به چالش می‌کشد و در عوض تکثر (قومی، فرهنگی و نژادی) را مورد تأکید و تصدیق قرار می‌دهد این رویکرد درصدد است مهارت‌های زیستی بشر امروز را برای زندگی در جامعه‌ای چند فرهنگی ارتقا بخشد. چند فرهنگی، آموزشی است که در آن برای تمام افراد - صرف نظر از تفاوت‌های فرهنگی آن‌ها - شرایط یکسانی فراهم می‌شود و هر کودک این فرصت را پیدا می‌کند تا متناسب با توانایی‌های خود، به شهروندی مفید و مولد برای جامعه تبدیل شود. در واقع، در بخش‌های آموزش تصور بر این است که فرهنگ بر یادگیری دانش‌آموزان تأثیر زیادی دارد و بسیاری از جنبه‌های فرهنگ هر فرد در ایجاد هویت در فراگیری و دستیابی وی به خودپنداره تأثیر می‌گذارد و بر نظام باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، انتظارات، روابط اجتماعی، زبان مورد استفاده و سایر رفتارهای فرد مؤثر واقع می‌شود.

طراحان و برنامه‌ریزان تربیتی تا کنون از نظرگاه‌های مختلفی به تدوین برنامه‌هایی از منظر توجه به ماهیت متنوع دانش و شناخت پرداخته‌اند (کلات و استرات، ۲۰۰۱). این برنامه‌ها گاهی با توجه به تنوع روش‌های آموزش؛ تنوع موضوعات مورد آموزش و تنوع یادگیرندگان؛ صورت گرفته است (کندال، ۲۰۰۵). در آموزش چند فرهنگی با تأکید بر فرهنگ بومی هر منطقه و حفظ و احترام به آن و به‌کارگیری آن در امر آموزش و در عین حال آشنا کردن دانش‌آموز با فرهنگ‌ها و قومیت‌های دیگر جامعه و ایجاد شرایط شناخت و تعامل با آن‌ها، احساسی ملی‌گرایا نه همراه با شناخت در دانش‌آموز ایجاد می‌شود که دارای پایه‌های محکمی است. در کشورهایی که تنوع فرهنگی وجود دارد، چند فرهنگی بایستی به صورت ریشه‌ای وارد برنامه‌ریزی درسی شود. اجرای موفق برنامه درسی چند فرهنگی باعث آماده کردن دانش‌آموزان امروز به رهبران فردا خواهد شد.

در دنیای امروزی که دنیای اطلاعات و ارتباطات نامیده می‌شود ۱- کشورها تعاملات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و با یکدیگر دارند از این‌رو انتظار می‌رود این تعاملات در حوزه آموزش و پرورش نیز تأثیر گذار باشد. ۲- در داخل کشور نیز شاهد تنوع نژادی، فرهنگی، قومی، طبقه اجتماعی، دینی و زبانی نیز هستیم که این امر بر چند فرهنگی بودن کشور اشاره دارد، وزارت آموزش و پرورش ایران، باید برای اجرای برنامه درسی چند فرهنگی با توجه به دو علت فوق خود را آماده کند.

روش

پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. بدین معنی که اطلاعات از طریق پایگاه‌های اطلاعاتی، کتاب‌های منتشر شده در این زمینه و سایر نوشته‌های مربوط گردآوری شده و با توجه به ماهیت موضوع، روش تجزیه و تحلیل در این پژوهش به شیوه توصیف، تحلیل و استنتاج نظری بوده است.

یافته‌ها

^۱ نویسنده مسؤل، دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه آزاد خوراسگان اصفهان ودبیر دبیرستان‌های مهاباد

^۲ کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی ودبیر دبیرستان‌های اشنویه

³ - Kluth, P., & Straut, D.

بسیاری از صاحب نظران، تربیت را مقوله‌ای زمینه‌مند دانسته‌اند که در بافت اجتماعی و فرهنگی جامعه گرفته و نیز به طور متقابل اثر می‌بخشد (صادقی، ۱۳۹۱). ویگوتسکی نیز اذعان دارد که همواره جنبه‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی در رشد اهمیت بسیار دارند و به باور او خاستگاه روان آدمی، اجتماع است. تعلیم و تربیت چند فرهنگی تنها راه حل اساسی از بین بردن فاصله‌ها و آماده‌سازی گروه‌های مختلف نژادی و قومی برای زندگی در یک جامعه دموکراتیک است متعلمان نیاز دارند بدانند که فرهنگ‌های متفاوت و وجود قومیت‌های مختلف چگونه در اقتصاد، سیاست و بنیادهای اجتماعی جامعه نقش داشته و زندگی شخصی آنان را تحت تأثیر قرار داده است (جنواگی، ۱۳۸۶). تأثیر فرهنگ و زبان مادری- به عنوان یکی از وجوه متمایز فرهنگ- بر کودک امری طبیعی است و موجب برداشتهای خاص او از جهان می‌شود. فرهنگ و زبان هر کودک، ادراک و برداشتهای ویژه‌ای را در وی ایجاد می‌کند و این برداشت به نوبه خود، موجب پیدایش الگوهای متفاوت تفکر، سبک‌های یادگیری مختلف و تفاوت‌های رفتاری در افراد می‌شود.

فرایندهای جهانی شدن نیز بر تحرکات قومی بین مرزهای ملی افزوده و پدیده تکثرگرایی فرهنگی را در صدر مباحث سیاسی و اجتماعی قرار داده است. از اینرو پیوستن به مدل‌های چند فرهنگ‌گرایی و توجه به حقوق اقلیت‌ها موضوعی است که در سال‌های اخیر در جوامع غربی و در ادبیات سیاسی به نحو گسترده‌ای مورد بحث و نقد قرار گرفته است (رضانژاد جولایی، ۱۳۹۰). فرهنگ‌های قومی که در دل فرهنگ یک ملت قرار دارند، شیوه زندگی تبار خاصی است که وجه متمایز زندگی قوم یا تباری از اقوام دیگر شده است. هر فرد در محیط زندگی فرهنگی بومی خود به معانی و مفاهیم‌سازی می‌پردازد. رشد فردی از بدو تولد در ابعاد ذهنی و جسمی به وسیله ارزش‌های فرهنگی لحاظ شده در آن صورت می‌گیرد و از آنجا که یادگیری حیات بخش زندگی اجتماعی است و در دوران کودکی بیش‌تر حائز اهمیت است، بنابراین استفاده از فرهنگ کودکان به منزله ابزار اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری آن‌ها در برنامه‌های آموزشی بیش‌تر آشکار می‌شود (عسگریان، ۱۳۸۵: ۱۴۰). لذا امروزه با از میان رفتن مرزهای قراردادی سنتی و با توجه به تأثیر فرهنگ‌ها بر یکدیگر، ناگزیر باید، در امر برنامه‌ریزی و به ویژه در طراحی برنامه‌های درسی به این مهم توجه شود. در چنین شرایطی آموزش و پرورش برای پاسخگویی به چنین نیازی ناگزیر است، در کنار ارائه دانش‌های تخصصی، به دانش‌آموزان کمک کند دانش و مهارت‌هایی را کسب کنند که بتوانند در مواجهه با وضعیت و اقتضائات عصر جدید، از جمله تعاملات و مواجهه‌های فرهنگی موفق باشند. در این راستا، بسیاری از کشورها به اهمیت و ضرورت آن توجه کرده و با طراحی و تدوین برنامه‌های درسی با چنین رویکردی، سعی در تربیت دانش‌آموزانی آشنا به مهارت‌های زندگی در یک جامعه چند فرهنگی نموده‌اند (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۹۲).

از آنجا که شناخت نیازهای محلی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است و با توجه به برخورداری ایران از ویژگی چند فرهنگی، آموزش و پرورش بایستی برای نیل به هدف عدالت آموزشی، ارتقای حس اعتماد به نفس، افزایش سلامت روحی و روانی دانش‌آموزان و همچنین نشاط و شادابی بیشتر که بخشی از طرق: برپایی جشنواره‌های دانش‌آموزی متمرکز بر ویژگی قومیت‌ها، قراردادن بازی‌های بومی و محلی و ورزش‌های مورد علاقه اقوام در ساعات آموزشی و فوق‌برنامه، معرفی اقوام با لباس‌های محلی و گنجاندن داستان‌ها و اسطوره‌های آنان در کتب درسی معرفی زبان و مشاهیر و مفاخر و نویسندگان اقوام و اقدامات مشابه درصدد ایجاد نوعی «وحدت در حین کثرت» برای زیست مسالمت‌آمیز باشد. باید دانست که تغییر در برنامه‌های درسی نظام متمرکز ایران با توجه به موارد اشاره شده فوق ضرورتی حتمی از روی تأمل است.

بحث و نتیجه‌گیری

بین مجموعه فرهنگ و ارتباطات روابط تنگاتنگ و پویایی وجود دارد. ارتباطات بین فرهنگی همانطور که از اسمش پیداست در فراسوی دو مفهوم ارتباط و فرهنگ شکل گرفته است. از دل این مفاهیم می‌توان به ابعاد بسیاری دست یافت که یکی از آن‌ها چند فرهنگ‌گرایی است. در حقیقت از طریق گسترش ارتباطات تحول فرهنگی و از جمله چند فرهنگ‌گرایی تحقق یافته است.

تنوع موجود در ایران به طور تاریخی شامل گستره وسیعی از گوناگونی‌ها قومی، دینی، زبانی و فرهنگی است. رخدادهای عصر حاضر نظیر مهاجرت‌ها، جهانی شدن، روندهای دموکراتیک و انقلاب اطلاعاتی و ارتباط تأثیر بسیاری

بر مسائل قومی و فرهنگی کشورها از جمله ایران داشته است. این رخدادها باعث افزایش آگاهی‌های قومی و فرهنگی شده است (رضانژاد جولایی، ۱۳۹۰). در این راستا وزارت آموزش و پرورش و سیاست‌گذاران کلان کشور از توان و تجارب کشورهای پیشرو در زمینه سیاست‌گذاری موفق چند فرهنگی مانند کانادا یا استرالیا کمک بگیرند و آن‌ها را بومی‌سازی نمایند.

یافته‌های این پژوهش ضمن مشخص کردن مفهوم تعلیم و تربیت چند فرهنگی نشان داد که توجه به برنامه درسی چند فرهنگی در آموزش، در شرایط کنونی جهانی و ملی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر بوده و می‌تواند منشاء بسیاری از تحولات اساسی در جامعه قرار گیرد. در واقع نتایج این پژوهش بیانگر این است که برنامه درسی چند فرهنگی به عنوان یک نیاز ضروری در جوامع چند فرهنگی است توجه به فرهنگ‌ها و زمینه‌های فرهنگی متفاوت در آموزش و یادگیری می‌تواند به اقتضای ضرورت‌های جهانی، سازگاری اجتماعی و قابلیت زندگی مسالمت‌آمیز را بالا برده و ملزومات شکل‌گیری هویت‌های سازگار را فراهم نماید. این رویکرد مسائلی همچون نژادپرستی و سایر انواع تبعیض را در جوامع و محیط‌های آموزشی رد کرده و توجه به تکثر قومی، نژادی و فرهنگی را مد نظر قرار داده است.

منابع

- رضانژاد جولایی، نجمه (۱۳۹۰). تعلیم و تربیت چند فرهنگی برآمده از ویژگی‌های عصر حاضر. اولین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴. پژوهشکده سیاست‌گذاری علم، فناوری و صنعت.
- سلیمان‌پور، جواد (۱۳۸۳). برنامه‌ریزی درسی با تأکید بر تدوین محتوای درسی فعال و کاربرد تحلیل محتوا. احسن. تهران. صادقی، علیرضا (۱۳۸۹). بررسی سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس رویکرد آموزش چندفرهنگی فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، ۵ (۱۸): ۱۹۰-۲۱۵.
- عسگریان، مصطفی (۱۳۸۵). جایگاه فرهنگ‌های قومی در تربیت شهروند. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۵ (۱۷): ۱۳۳-۱۶۲.

Kluth, P & Straut, D. (2001). Standards for diverse learners. *Educational Leadership*, 59:43-46.